



سفر به ولایت عزرائیل



دشمن با موجودیت اسرائیل اشغالگر در اندیشه و ادب روشنفکران ایرانی که پیش از وقوع انقلاب برای بخشی از جامعه تولید فکر می‌کردند، به وضوح دیده می‌شود. امثال احمد فردید تلاش داشتند با نگرش خود، هیژم‌تور یهودستیزی و غرب‌ستیزی را تهیه کنند. آنان اعتقاد داشتند جهان و تمام سازمان‌های بین‌المللی آن (به خصوص آنان که پس از پایان اتمی جنگ جهانی دوم) با اندیشه فراماسونری و صهیونیست‌ها اداره می‌شوند. در این بین، جلال آل احمد مفهوم غرب‌زدگی را از فردید ستاند و آن را در کتاب خود استفاده کرد. او تا آنجا پیش رفت که غرب را با صناعاتش، همچون دیوی تصویر کند که باید جان آن در شیشه کرد، آن را به اختیار خویش درآورد و همچون چارپایی از آن بار کشید. در سال ۱۳۸۴ کتابی منتشر شد که در آن جلال احمد شرح سفرش به فلسطین اشغالی را آورده و نام آن را «سفر به ولایت عزرائیل» گذاشت. او حاکمیت جعلی اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی را فرصتی می‌داند برای حکومت‌های بی‌قانون و عهد دقیقانوسی اعراب.



نه صلح، نه حرف اضافه



یک خانم خبرنگار عرب با نام عاطف حزین در سال ۱۹۹۶ به شهرهای صهیونیست‌نشین از جمله تل‌آویو رفته و تلاش کرده ماهیت اهداف رژیم جعلی اسرائیل را با تکیه بر مطالبی که که خودشان اذعان داشته و در محافل تحت اشغال آنان مطرح شده، بررسی کند. سپس به غزه هم سفر کرده و با مردم عادی گفت‌وگو داشته است. او براساس خاطرات این سفر، کتابی را در قالب خاطره‌نویسی به رشته تحریر درآورده و آن را اینطور نام نهاده: «اسرائیلی که من دیدم: نه صلح، نه حرف اضافه». وحید خضاب؛ مترجم این اثر به فارسی، نویسنده کتاب را به طور واضح علاقه‌مند به خط سازش و صلح دانسته است و البته منطق حکم می‌کند وقتی کسی چنین رویکردی نشان می‌دهد موجودیت نامشروع صهیونیست اجازه ورود او به داخل بخش‌های اشغالی را می‌دهد. در واقع این اثر را باید با عینکی نگاه کرد که موجودیت اسرائیل بزودی از بین می‌رود. خوب است بدانید نگارنده، این اثر را دوده پس از سفرش نگاشته تا وضعیت تقلاي رژیم صهیونیستی برای اشغال کامل فلسطین را برای دنیای امروز تشریح کند. این کتاب علاوه بر طرح بحث در زمان حال، به مباحث تاریخی نیز گریزهایی زده است. عاطف حزین، صحبت‌های افرادی که در روزگار اواخر قرن بیستم چشم به راه صلح بودند را آورده و از آرزوی آنان برای آرامش ملت‌شان با تحقق رؤیای جهانی بدون جنگ گفته است. در حالی که هنگام نگارش کتاب ۲۰ سال از سفر او گذشته، مطالعه این کتاب برای دغدغه‌مندان مشخص می‌کند چه آرمان‌های - حتی به اندازه کسری از کل آن - محقق شده و کدام‌ها هنوز روی زمین است، اما عده‌ای همچنان همان حرف‌ها را به فلسطینیان می‌گویند. ترجمه این کتاب در سال ۱۳۹۸ و در ۱۹۲ صفحه از سوی انتشارات شهید کاظمی منتشر شده است. برشی از متن ابتدایی این کتاب را در ادامه می‌خوانید که عاطف حزین به چگونگی رفتن به اسرائیل پرداخته است: «پشت خط، محمد عمر بود؛ همکارم. کلی هم سرزنش‌م کرد که چرا دیر جواب داده‌ام. آخرش هم گفت استاد محمد طنطاوی؛ سردبیر نشریه، می‌خواهد درباره موضوع مهمی با من حرف بزند. وقتی خط را به سردبیر وصل کرد، او همان‌طور که همیشه در برخورد با من عادت داشت، بیش از چند کلمه صحبت نکرد: «باسپورت آماده است؟ خب، پس همین الان بیا دفتر چون باید به سفر بری اسرائیل. خداحافظ!» حتماً دارم خواب می‌بینم! ای وای از دست این خواب‌هایی که آدم اول صبحی می‌بیند. ای لعنت به این خوابی که الان دیدم. من که دوست دارم بروم ژاپن یا هند. البته اگر خواب مرا برداشت و برد آفریقای جنوبی هم بدم نمی‌آید...»